

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۳ (پیاپی ۲۰) بهار ۸۷

بررسی و تبیین ساختار اجتماعی - فرهنگی ضرب‌المثلهای ترکی استان اردبیل^۱*(علمی - پژوهشی)

دکتر حسین نوین

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

ضرب‌المثلهای ترکی رایج در استان اردبیل، که برای پندونصیحت و یا بیان دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی مردم به کار می‌رود، محصول تجربه‌ها، دانش و آرزوهای اجتماعی و تاریخی مردم با شور و ذوق این نواحی و مناطق مجاور آن است. در میان آنها تأثیرات فرهنگی اسلام یا ملل مجاور و کشورهای دور و نزدیک نیز به چشم می‌خورد. در این مقاله، ضمن بررسی و پرداختن به این موضوع، موارد زیر در خور توجه قرار گرفته است:

در ساختمان دستوری امثال از انواع فعلهای ترکی، صیغه‌ها و زمانهای گوناگون (گذشته، حال و آینده) بهره‌گیری شده، و امثال و حکم ترکی از نظر بیانی اغلب به صورت کنایه (اعم از واقعی و قابل فهم، غیرواقعی و دیرفهم) به کار رفته است. برخی نیز به صورت جملات ساده (کوتاه و بلند) ساخته شده، و گاهی نیز از امور متضاد و متقابل آمیخته و استفاده شده است.

امثال و حکم موزون و شعرگونه نیز بخشی از سخنان حکیمانه و اندیشه‌ورانه بسیار زیبا و دلپذیر مردم ترک زبان این نواحی است. این مثلها اغلب آمیخته به صنایع لفظی و با آهنگ و موسیقی پرشوری است که گاهی کاملاً صورت شعری به خود گرفته است.

عناصر و پدیده‌های مختلفی مانند طبیعت و عناصر آن (آب، باران، کوه، دریا و ...) انسان و حیوان، پرند، گیاه مناطق و شهرها و حتی کشورهای خاص (اعم از نزدیک یا دور) و نیز طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی (فقیر، غنی، کچل، دیوانه، عروس و ...) ساختار موضوعی ضرب‌المثلهای ترکی را تشکیل می‌دهد.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۴/۱۳

* تاریخ ارسال مقاله: ۸۴/۹/۱

دسته دیگر از امثال و حکم ترکی، ساختار افسانه‌ای و اسطوره‌ای دارد. در کنار آنها به تعدادی از امثال و سخنان حکیمانه نیز برمی‌خوریم که بار معنایی خود را از باورها و خرافات عامیانه اقتباس کرده است.

آخرین نکته قابل توجه در این پژوهش بازیافت امثال و حکمی است که جنبه تربیتی و روانشناختی دارد. مطالعه این دسته از امثال و حکم ما را با روحیات و خلیقات فردی و اجتماعی گویندگان آنها آشنا می‌سازد.

واژگان کلیدی: فولکلور، فرهنگ عامه، ضرب‌المثلهای ترکی، استان اردبیل، ادبیات عامه

مقدمه

امروزه ادبیات و هنر، نه صرفاً از جنبه‌های زیباشناختی و هنری آن، بلکه به عنوان مفسر و مبین دنیای اطراف زندگی هنرمند و صاحب ذوق مورد عنایت و استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین مطالعه قصه‌ها، افسانه‌ها و امثال و حکم ادبی گذشته، نه تنها ما را با آرمانها و اندیشه‌های اجتماعی نیاکان، بلکه با جلوه‌ها و نمودهای اجتماعی - فرهنگی آنان نیز آشنا می‌سازد. بر همین اساس است که امروزه در میان کشورهای مرفعی تلاش می‌شود تا آثار و نشانه‌های سنتها و فرهنگ را، که بر اثر تحولات علمی و صنعتی زمان، دچار اضمحلال و نابودی شده است از میان زبان و فرهنگهای رایج و یا از لابه‌لای متون، کتابها و مجلات مربوط جمع‌آوری کنند و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار دهند.

امروزه دیگر هنر و ادبیات صرفاً در جنبه‌های زیباشناختی و هنری آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان مفسر و مبین دنیای اطراف زندگی هنرمند و صاحب ذوق مورد عنایت و استفاده قرار می‌گیرد (هنر و اجتماع؛ ص ۲۰).

مطالعه قصه‌ها، افسانه‌ها، امثال و حکم ادبی، ما را با امکانات اجتماعی-فرهنگی روزگاران گذشته نیز آشنا می‌سازد؛ به عبارت دیگر «اصیلترین اسناد هر ملتی، تاریخ ادبیات هر ملتی است؛ مابقی جعل است» (نامه‌ها؛ ص ۴۹).

زبان ترکی که از لحاظ نسبی و تباری جزو زبانهای اورال - آلتایی است به مجموعه زبانهایی گفته می‌شود که مردم متکلم به آنها از منطقه بین کوه‌های اورال و آلتای (در شمال ترکستان) برخاسته و هر گروه در زمانهای مختلف به نقاط مختلف مهاجرت کرده‌اند (سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی؛ ص ۱۸).

بر اساس شواهد و مدارک تاریخی، زبان اصلی و رایج مردم آذربایجان و استان اردبیل از قدیمترین زمانها زبان آذری بوده است. این زبان در حوزه جغرافیایی آذربایجان (ماد بزرگ) مورد کاربرد و مخاطب عامه قرار داشت. این زبان که برگرفته و منشعب از زبان فارسی باستان (پهلوی باستان) است، جزو زبانهای اصیل ایرانی است و اشتراکات و قرابت‌های زیادی نیز با زبان فارسی امروزی دارد (زبان آذری و مشترکات تاریخی آن با زبان آذری؛ ص ۴). گروه‌های مختلف ترک زبان از زمانهای گذشته بتدریج وارد فلات ایران شدند و کم‌کم زبان ترکی را در نواحی مختلف ایران رواج دادند. ورود رسمی آنها از دوره سامانی، سپس در دوره غزنوی و بعد دوره سلجوقی و مغول افزایش پیدا می‌کند تا اینکه در یک دوره تاریخی طولانی، شمال‌غربی و بعضی از نواحی دیگر ایران تحت تأثیر زبان ترکی قرار گرفته، زبانهای محلی خود را فراموش می‌نمایند (نظری به تاریخ آذربایجان؛ ص ۲۶). بر اثر دگرگشت، زبان محلی آذربایجان (آذری) و تبدیل آن به زبان ترکی امروزی، ضرب‌المثل‌های مختلفی در این زبان به وسیله مردم آذربایجان و بویژه نواحی اردبیل رایج شده است. این ضرب‌المثلها، که بخش وسیعی از فرهنگ عامه مردم این نواحی را تشکیل می‌دهد، گنجینه‌ای گرانبها و عظیمی از اعتقادات، باورها و سنت‌های فرهنگی مردم ما به شمار می‌آید.

متأسفانه پژوهشها و مطالعات علمی لازم در این زمینه صورت نگرفته و تنها در بعضی منابع صرفاً به تدوین و یا گردآوری امثال و حکم آذربایجان (آنها با تعداد محدود) بسنده شده است (امثال و حکم آذربایجانی؛ ۱۳۶۷).

کار دیگری نیز در جهت تدوین و جمع‌آوری امثال و حکم ترکی و بدون تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن به عمل آمده (ضرب‌المثل‌های آذربایجانی؛ ۱۳۶۶) است. سخنان پراکنده‌ای نیز در مورد ادبیات شفاهی مردم ترک زبان از جمله درباره قصه‌ها، عاشیق‌ها، بایاتی‌ها در بعضی کتابها می‌توان پیدا کرد (ادبیات شفاهی مردم آذربایجان؛ ۱۳۵۸). همه پژوهشها و مطالعاتی که در زمینه ادبیات شفاهی و فولکلوریک مردم ترک زبان صورت گرفته است، اغلب جنبه کلی و صوری دارد و دیدگاه علمی جدیدی را به خود نگرفته و بخصوص از دیدگاه جامعه‌شناسی ادبیات مورد تحلیل و مطالعه قرار نگرفته است.

در این پژوهش ضمن تحلیل و تبیین مفاهیم و موضوعات محتوایی ضرب‌المثلها، ساختارهای دستوری، اجتماعی و میزان دخالت و یا شراکت عناصر انسانی، طبیعی و حتی حیوانی به طور نسبی در شکل‌گیری و پیدایش مثلها روشن می‌شود. همچنین جنبه‌های زیباشناختی و هنری آنها مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

روش کار این پژوهش آمیخته‌ای از سند کاوی، کتابخانه‌ای و میدانی است؛ به این معنی که ضرب‌المثل‌های رایج در استان اردبیل را در مطالعه ای تاریخی و از قدیمترین زمان تاریخی ممکن، که مثلها و سخنان حکمت‌آمیز پیدا شده‌است، تا امروز مورد شناسایی و استخراج و مطالعه قرار می‌گیرد. داده‌هایی چون کتاب، نشریات، مجلات و حتی مصاحبه با مردم استان نیز در روش پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته‌است.

از آنجا که افواه عامه و فرهنگ توده بهترین منبع شفاهی و مورد اعتماد موجود بود، تلاش شد تا با مراجعه به افراد سالخورده و با تجربه از هرگونه اطلاعات و دانسته‌های شفاهی آنان در خصوص ضرب‌المثلها و سخنان حکمت‌آمیز استفاده شود. منابع و کتابهای دیگری نیز که در زمینه امثال و حکم ترکی اطلاعات مفیدی داشت، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. از کتابهایی هم که حاوی امثال و حکم ترکی بوده در مطالعه و بررسی نهایی به عنوان شاهد مثال استفاده شده است.

شایان یادآوری است که اغلب امثال و حکم ترکی رایج در استان اردبیل، معمولاً از لحاظ ساختار و موضوع و حتی صورت بیان، دقیقاً همانهایی است که در دیگر نواحی ترک زبان آذربایجان رواج دارد.

بخشی دیگر از امثال و حکم ترکی نیز با صورتهای مشابهی در ماوراء رود ارس به کار گرفته می‌شود. تعداد قابل توجهی نیز از امثال و حکم ترکی این استان از طریق کتابها یا ارتباطات فرهنگی و علمی از طریق زبان فارسی وارد زبان ترکی شده‌است. همه این گونه ضرب‌المثلها به عنوان امثال و حکم ترکی مورد مطالعه و بررسی و تحلیل قرار گرفته‌است.

یادآوری می‌کند که ضمن مطالعه و بررسی هزاران ضرب‌المثل استخراجی، شواهد و نمونه‌های مثالی از آن دسته از امثال و حکم انتخاب شد که اولاً دامنه نفوذ و کاربرد بیشتری بین مردم این نواحی دارد. ثانیاً علاوه بر محتوای مضامین فکری والا از صبغه هنری و ادبی لازم نیز برخوردار است. نکته قابل ذکر دیگر این است که در نوشتن صورت امثال

و حکم به رغم اختلافات لهجه‌ای و محلی متعدد در منطقه برای یکنواختی کار، معمولاً صورت تلفظ و لهجه‌های رایج شهرستان اردبیل مورد توجه و کتابت قرار گرفته است و اگر در موارد زیادی، علاوه بر تلفظ ظاهری کلمات و جملات در ساختمان کلی ضرب‌المثلها نیز تفاوت‌های فاحش و قابل توجهی وجود داشته، آنها نادیده گرفته، و تنها صورت رایج اردبیلی آن به کار برده شده است.

در ضمن برای آگاهی بیشتر خوانندگان علاوه بر نوشتن ترجمه و معادل فارسی آن، سعی شده در موارد لزوم به موارد کاربرد امثال و حکم نیز اشاره شود تا بیشتر مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد.

با توجه به آنچه یاد شد در مطالعه مقدماتی، چند فرضیه به قرار ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

- ضرب‌المثل‌های ترکی از انواع آرزوها یا تجربه‌های زندگی و ویژگی‌های اجتماعی سخن می‌گوید.

- ساختار دستوری ضرب‌المثلها، که بر اساس زمانهای گذشته، حال و آینده استوار است، اغلب از توجه مردم نسبت به امور تاریخی گذشته و زندگی فعلی و آرزوهای آینده آنها ناشی می‌شود.

- مبانی فکری و محتوایی امثال و حکم ترکی استان اردبیل، مولود اندیشه‌های والا و احساسات پر شور مردم و نیز برانگیخته از فرهنگهای مختلف از جمله فارسی، عربی و روسی است.

- طبقات مختلف اجتماعی در شکل‌گیری موضوعی امثال و حکم به میزان متفاوتی سهمیم بوده‌اند.

- موضوعات مختلف اخلاقی، تربیتی، روانشناختی، اجتماعی و حتی سیاسی از موضوعات مهم امثال و حکم ترکی به شمار می‌آید.

۲- بحث

۲-۱- ریشه‌یابی مثل‌های استان اردبیل

مثلها، معمولاً ساخته و پرداخته ذهن مردم نکته‌سنج، آگاه و بذله‌گو است؛ به عبارت دیگر انسانهای اندیشمند و باتجربه، اندوخته‌ها و بازیافته‌های فکری و فرهنگی خود را در

قلب سخنان کوتاه و جملات سنجیده و پرمغز و اغلب به صورتی شیرین بیان می‌کنند. در این میان، افراد با شوق و فرهیخته، بنابر ذوق و خاستگاه ذاتی و فطری خود، که معمولاً سخنان موزون و دلنشین را بر سخنان ساده و معمولی ترجیح می‌دهند، می‌کوشند عبارات عمیق و متفکرانه خود را با نشانه‌های هنری بیامیزند و آنها را به صورت موزون، آهنگین دلنشین و گاهی نیز به صورت شعر بیان کنند. بر این اساس می‌توان گفت که بیشتر ضرب‌المثلها و سخنان حکمت‌آمیز رایج در این استان، ساخته و پرداخته ذهن روشن و حساس مردم نکته‌سنج و اندیشمند و با تجربه‌ای است که نام آنها به بدرستی معلوم نیست. دسته دیگر از ضرب‌المثلها رایج در این استان از طریق مطالعه آثار ادبی از قبیل دیوان شاعران یا حکایات و افسانه‌های ادبی وارد زبان محلی شده است. این شاعران اعم از شاعران ملی مانند حافظ، سعدی، مولوی، فردوسی و... یا شاعران برخاسته از منطقه آذربایجان مانند نظامی، خاقانی، شهریار یا دیگر شاعران محلی هستند.

نوع دیگری از ضرب‌المثلها و سخنان حکمت‌آمیز رایج، آن دسته از سخنانی است که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی این استان شده است؛ مانند ضرب‌المثلهای فارسی، عربی، روسی و...

البته باید توجه داشت که مرزبندی دقیق و روشنی بین این سه دسته از ضرب‌المثلها امکانپذیر نیست و این تقسیم‌بندی یک فرض کلی است که صورت فراگیر و در عین حال برجسته تر و مشخصتری دارد. چه بسا ضرب‌المثلهای عامیانه‌ای که مشابه آن در دسته سوم و ضرب‌المثلهای زبانهای دیگر - حتی ملتهای دیگر - نیز باشد و یا ممکن است بتوان ضرب‌المثلهای ادبی را به صورت دیگری در میان ضرب‌المثلهای عامیانه یا سخنان حکمت‌آمیز سایر ملل نیز پیدا کرد و چه بسا ضرب‌المثلهای قابل توجهی، که در میان اغلب ملتهای جهان وجود دارد که گویی از یک منشأ برخاسته و به یک صورت و یا مضمون نیز بیان شده است؛ زیرا ارتباط فرهنگی - اجتماعی انسانها و تاثیر و تأثر آنان از یکدیگر و نیز استواری فکری و علمی ضرب‌المثلها بر پایه‌های روحی و ذوقی، که اغلب از اندیشه و احساس مشترکی برخاسته است، تقسیم‌بندی قطعی و روشن را مشکل می‌سازد و لذا هرگونه ایراد و اشکال وارد بر این روش از این دیدگاه قابل تامل و بررسی است.

۲-۲- ساختمان دستوری ضرب‌المثلهای ترکی

ضرب‌المثل‌های ترکی، بنا به ضرورت در دوره‌های مختلف وزمانهای گوناگون به کار رفته است. این مثلها قالبهای زمانی گذشته، حال و آینده (با شاخه‌ها و تقسیمات مختلف) و نیز موضوعات متعددی دارد.

ضرب‌المثل‌های گذشته (ماضی) اغلب حاوی تجربه‌هایی است که در گذشته اتفاق افتاده و اکنون نیز به عنوان معیار و شاخصه زندگی مناسب قابل استفاده و به کارگیری است. گاهی این گونه مثلها، بیان انتقاد و گلایه از حوادث و امور گذشته است. مثل‌های آینده (با صیغه زمانی آینده) نیز اغلب در بیان احساسات و آرزوهای دراز آدمی به کار می‌رود. مثل‌های مضارع یا زمان حال هم اغلب به مسائل و موضوعات ملموس و مبتلا به روزانه اشاره دارد.

۲-۱-۲- مثل‌های استفهامی

برخی از سخنان حکمت‌آمیز در قالب جملات سؤالی بیان شده است. در اینجا گوینده با طرح سؤالی، مضمون و حکمت خاصی را به خواننده یا شنونده گوشزد، و اهمیت آن را تأکید می‌کند. گاهی نیز مقصود گوینده انتقاد یا گلایه صریح از مخاطب است:

- سوغان یئمه یوب سن، نیه قارنون [ایچون] آغری؟

ترجمه: اگر پیاز نخورده‌ای، چرا دلت [درونت] درد می‌کند؟

این مثل درباره کسی به کار می‌رود که خود را از هر اتهامی مبرا می‌داند و مصرانه از خود دفاع می‌کند.

- کت ندور؟ قت ندور؟ ترجمه: ده کجا؟ قند کجا؟

یعنی در ده قند کی پیدا می‌شود؟ در بیان امری که تقریباً ناممکن و یا دشوار است به کار می‌رود.

البته بعضی از مثل‌های استفهامی ترکی، گاهی با جواب سؤال نیز همراه است؛ مانند:

- آت کیمیندور؟ مینه نین. دن کیمیندور؟ گیه نین.

ترجمه: اسب مال کیست؟ جواب: مال کسی که سوار می‌شود. پیواهن

مال کیست؟ جواب: مال کسی که می‌پوشد.

باید توجه داشت که برخی از مثلها نیز به صورت استفهام انکاری بیان می شود به این صورت که گوینده مثل با طرح سؤال، قصد شنیدن جواب از مخاطب ندارد، بلکه مضمون صحبت او چنان بدیهی است که با بیان صورت سؤال بر تأکید و اهمیت آن می افزاید؛ مانند:

- دُوئه کوشک دئمیشم؟ آتووا اشگ؟ ترجمه: آیا به شترت بچه شتر گفته ام یا به اسبت الاغ؟

این مثل در مورد بیگناهی و بی غرض بودن گوینده نسبت به مخاطب خاصی به کار می رود در مورد کاری که با او اختلاف پیدا کرده است.

- طوی بیگ سیز؟ گلین ینگه سیز؟

ترجمه: عروسی بدون داماد و عروس بدون ینگه؟

این مثل در مورد ارزش و ضرورت چیزی به کار می رود که اهمیت آن بدیهی و روشن است.

۲-۲-۲- امثال بدون فعل

در میان امثال و حکم ترکی به تعدادی از امثال بر می خوریم که به منظور ایجاز و اختصار، افعال آنها حذف شده است. این روش برای رعایت دقت و سرعت عمل در تأثیر سخنان حکمت آمیز به کار می رود؛ مانند:

- آیری قارداش، یاد قونشو!

ترجمه: برادر جدا شده (بی وفا) مانند همسایه بیگانه (غریبه).

- آر گرک، تئز گرک!

ترجمه: شوهر باید، زود باید؛ یعنی اگر کسی شوهر می کند، بهتر است که زودتر شوهر بکند.

- ألوم بیر گون، شوون بیر گون.

ترجمه: مرگ یک بار، شیون یک بار.

این مثل در مذمت بهانه جویی افراد به کار می رود.

۲-۲-۳- جملات ساده

گاهی مثلهای ترکی در دو کلمه گنجانیده شده است که معنای کلمه اول قصد اصلی گوینده است و کلمه دوم توضیح کلمه اول؛ به عنوان مثال:

- سوبایلیق، سلطانلیق: مجردی = سلطانی

- ایشلمه، دیشلمه: کارکنن = گاز نگیر؛ کسی که کار نکند، غذا نمی‌خورد. یا

ایشله مین دیشله مُز

تعداد قابل توجهی از سخنان حکمت‌آمیز ترکی در قالب جملات ساده و عامیانه بیان

شده‌است؛ مانند:

- باشیمیز دگیرماندا آغار میوب! ترجمه: سرمان در آسیاب سفید نشده

است!

۲-۲-۴- حذف فعل به قرینه اول

در مثلها معمولاً افعال ذکر می‌شود. اما در برخی از آنها فعل حذف می‌شود. حذف فعل

گاهی به قرینه لفظی اول انجام می‌شود. این امر برای اختصار و یا موزون بودن دو کلمه

صورت می‌گیرد؛ مانند:

- آدامی باشدان تانیلار، آغاجی یاشدان.

ترجمه: آدمی را از سر [مجاز از عقل] می‌شناسند و درخت را از سال

[سن].

- حامامنان چیخانین آری اولاسان، سَفَرْدُنْ گلّه نین، آروادی!

ترجمه: برای کسی که تازه از حمام بیرون آمده است، شوهر شو و به

کسی که تازه از سفر برگشته همسر [بشوی]!

۲-۲-۵- حذف فعل به قرینه دومی

- دایی نان داغا، عمّه ایلن باغا گنت.

ترجمه: با دایی به کوه و با عمه به باغ برو؛ در اهمیت دلسوزی و مهربانی دایی

و عمه به کار می‌رود.

۲-۲-۶- حذف فعل به قرینه معنوی

- یامان گوّنده، یامان قارداش: در روزگار بد، برادر بد [باز هم بهتر

است].

- هرنة ین تَزَه سی، دوستون کهنه سی: هر چیز تازه‌اش و دوست قدیمی‌اش

[بهتر است].

۲-۲-۷- افعال ماضی (نقلی)

- سندن کؤر ایت خیر گؤرمهؤوب!

ترجمه: از تو سگ کور هم خیر ندیده است. در مورد افراد بی‌خاصیت و

بی‌تعهد به کار می‌رود.

۲-۲-۸- ماضی مطلق استمراری

- آراز آخیردی، گؤزوم باخیردی! ترجمه: ارس جاری بود در حالی که

چشمم نگاه می‌کرد.

این مثل در جایی به کار می‌رود که در مقابل چشم آدمی حادثه‌ای اتفاق بیفتد و کاری

از دست او بر نیاید. مضارع استمراری

- سنی ایستیرم، اُزومی سندن چوخ ایستیرم.

ترجمه: تو را دوست دارم، اما خودم را از تو بیشتر دوست دارم.

۲-۲-۹- فعل نهی

- اینانما، آلا نما، او تانما! ترجمه: باور مکن، فریب مخور، خجالت مکش.

۲-۲-۱۰- فعل امر

- دامارینا باخ، قانین آل! به رگش نگاه کن و به اندازه رگش از او خون

بگیر!

کنایه از اینکه به اندازه توانایی هر کس باید از او توقع داشت. گاهی نیز فعل امر خطابیی

برای دو موضوع متفاوت به کار می‌رود؛ به عنوان مثال:

- آداملیقی آدامان ایسته، خوش اییی قزل گؤلدن! انسانیت را از آدمی

و بوی خوش را از گل سرخ بجوی!

۲-۲-۱۱- افعال بدون شخص معین

در میان ضرب‌المثل‌های زبان ترکی، تعداد قابل توجهی از سخنان حکیمانه و مثل‌گونه

وجود دارد که خطاب به شخصی معین نیست؛ بدین معنی که گوینده تجربه، اندیشه یا

مقاصد ذهنی خود را خطاب به غیر و به طور عام و بدون توجه و خطاب به شخص معینی گفته است؛ به عنوان نمونه:

- اِشینه اِشینه چِیخدی اُجاق باشینا. در حالی که مرغ^۱ می‌کود یواش یواش به بالای اجاق در آمد.

این مثل در مورد کسانی به کار می‌رود که رندانه و با زیرکی تمام خود را به مقام و جایی می‌رسانند که حقشان نیست.

- بیری ایتدی، بیری بیتدی. ترجمه: یکی گم شد، یکی نیز (پیدا) شد.
این مثل زمانی به کار می‌رود که آدمی از دست یکی راحت نشده، گرفتار در دسر دیگری می‌شود.

۲-۲-۱۲- حکمت اسنادی

آن دسته از سخنان و ضرب‌المثل‌هایی است که جنبه اندرز و حکمی دارد و بدون توجه به شخص معین و به صورت اسنادی و دستورالعمل کلی بیان شده‌است؛ به عنوان مثال:

- سؤزدن سؤز چیخار! ترجمه: از حرف حرف در می‌آید؛ نظیر الکلام یجر الکلام.

- حق یئرده قالماز! ترجمه: حق در زمین باقی نمی‌ماند (حق باطل نمی‌شود).

۲-۲-۱۳- امثال شرطی

مفاهیم تعدادی از ضرب‌المثل‌های ترکی به صورت جملات شرطی با جواب شرط بیان شده‌است. بعضی از آنها مستقیماً نتیجه حکمت و سخنان سنجیده را در «جواب شرط» بیان می‌کند. برخی دیگر نیز به صورت کنایی نمودار می‌شود که شنونده باید با تأمل و تفکر، مفهوم غایی گوینده را دریابد. به چند مثال زیر توجه کنید:

- قؤنشوم قؤنشو اُسایدی، کؤر قیزیم اودّه قالمزدی.

۱- غلتیدن الاغ در خاک و خاکستر را «مرغ» می‌گویند. در اینجا کنایه از «آرام آرام رفتن» است.

ترجمه: اگر همسایه، همسایه بود، دختر کورم در خانه نمی ماند! (یعنی او را شوهر می داد).

- آلاه دبیر تانی منی، تانیماستان، بیربلا گونده زرم، نه سنی تانیر نه منی!
ترجمه: خدا می گوید: مرا بشناس، اگر مرا شناسی، بلایی به تو نازل می کنم که نه تو را بشناسد و نه مرا!

۲-۲-۱۴- مثلهای گفتگویی

مفاهیم مثلهای زبان ترکی، نه فقط به وسیله گویندگان آنها، بلکه گاهی نیز در قالب گفتگوی طرفین فرضی و خیالی بیان می شود. دو طرف گفتگو آدمی یا حیوان و یا سایر موجودات هستند؛ به عنوان مثال:

- دئویه دئدیله: نیه بونون آیری دی؟ دئدی: هارام دؤزدی؟
ترجمه: به شتر گفتند: چرا گردنت کج است؟ گفت: کجای بدنم راست است؟

- کئچله دئدیله: باشووی یؤدون؟ دئدی: یؤدومدا دارادیم دا!
ترجمه: به کچل گفتند: سرت را شستی؟ گفت: شستم و شانه نیز کردم!

۲-۲-۱۵- امثال آرزویی و دعایی

بعضی از گویندگان امثال و حکم ترکی، مقاصد و مفاهیم ذهنی خود را به صورت دعا، آرزو یا تحسر قلبی بیان کرده اند؛ به عنوان مثال:

- آلاه بوگوزی اگوزه محتاج ایله مه سین! ترجمه: خداوند این چشم را به آن چشم محتاج نکند.

- ایلانین آغینادا لعنت، قاراسینادا! ترجمه: بر مار سفید لعنت و نیز بر مار سیاه!

۲-۲-۱۶- امثال تحذیری

مثلهای تحذیری آن دسته از امثالی است که کسی را از کاری برحذر می دارد یا به او در خصوص کاری تذکر می دهد؛ به عنوان مثال:

- ایله ایله مه کی کورپی قالا چابین اتابیندا!

ترجمه: کاری نکن که پل آن طرف رودخانه بماند! یعنی کاری نکن که هیچ راه برگشت نداشته باشی؛ همه دیوارها و حریم‌ها را خراب مکن!

- بیرایش گورمه آلتووا سوچیا!

ترجمه: کاری نکن که زیرت آب بکشد! یعنی کاری انجام نده که به ضررت تمام شود!

۲-۲-۱۷- مثل‌های تشبیهی

مثل‌های تشبیهی آن دسته از امثالی به شمار می‌آید که در قالب تشبیه عنوان شده‌است؛ به عبارت دیگر گوینده، مقصود خود را در ایجاد شباهت امری به امری دیگر ابراز می‌کند و به این ترتیب، مستدل و متقن بودن سخنان خود را به گوش شنونده یا خواننده می‌رساند؛ به مثال‌های زیر توجه کنید:

- ایله قورخور، جین دمیردن قورخان کیمی! ترجمه: چنان می‌ترسد مثل اینکه جن از آدمی!

- اوشاق بؤیوتمک، داش چینه مک‌دور! ترجمه: بزرگ کردن بچه مانند جویدن سنگ [سخت] است!

- ارسیز آروات، یوگن سیز آت! ترجمه: زن بدون شوهر [سلیطه] مانند اسب بی‌لگام است.

۲-۲-۱۸- امثال کنایی

این دسته از ضرب‌المثل‌ها، اغلب به صورت کنایه، پوشیده و بارمزی بیان می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ضرب‌المثل‌های کنایی را به چند دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

۲-۲-۱۸-۱- ضرب‌المثل‌های کنایی قابل فهم

مثل‌هایی که در جهان خارج صورت واقعی دارد و قابل پیش‌بینی و اتفاق است؛ مانند:

- طویلله ده یاتوب، بالاخانه ادعاسی ایله‌ور! ترجمه: در طویلله خوابیده و ادعای بالاخانه (خانه دو طبقه) می‌کند!

- چوره‌گی دیزی اوستینده دی!

ترجمه: نانث همیشه روی زانویش قرار دارد؛ کنایه از خسیسی افراد است که می‌توان تصور کرد که آدم خسیس، سهم نان خود را همیشه روی زانویش قرار می‌دهد و از دیگران پنهان می‌کند.

۲-۱۸-۲-۲- مثلهای کنایی غیرواقعی و قابل فهم

- من قارانی باسماقدان، قارا منی باسیر!

ترجمه: به جای اینکه من بر سیاهی غلبه کنم، سیاهی بر من غلبه می‌کند.

کنایه از طلبکاری یا پیشدستی برخی افراد خطاکار است.

- کور قویون گنجه اتلار.

ترجمه: گوسفند کور شب چرا می‌کند؛ کنایه از اینکه آدم کور همه جا را

تاریک و آدم بد همه چیز را بد می‌انگارد؛ نظیر مثل فارسی: کافر همه را به کیش خود پندارد.

۲-۱۸-۳- عبارات کنایی غیرواقعی و دیرفهم

- سیچان قویروغینان گیردکان اذیر.

ترجمه: موش با دمش گردو می‌شکند؛ نظیر مثل فارسی: با دمش گردو می‌شکند؛

کنایه از خوشحالی زیاد است.

- قره قارقا خالاسینون گلینی اlob!

ترجمه: کلاغ سیاه عروس خاله‌اش شده! کنایه از پیدا کردن باب و مثل خود است.

۲-۱۸-۴- مثلهای کوتاه کنایی

مثلهایی که با جملات ساده و در عین حال کوتاه بیان می‌شود:

- آز آشین دؤزی دگور! **ترجمه: نمک آتش کمی نیست؛** کنایه از اینکه آدم

بسیار شلوغ و پر دردسری است.

- آتووی یامان چاپورسان!

ترجمه: اسبت را عجیب به جولان در می‌آوری! کنایه از اینکه دوران، دوران تو است و خوب شادی می‌کنی!

- باشی دومانلی دور. ترجمه: سرش پر مه و غبار است؛ یعنی عقلش خوب کار نمی‌کند یا آشفته و پریشان اندیشه است.

۲-۳- امثال و حکم با مقولات متضاد

منظور آن دسته از سخنان و امثال حکیمانه‌ای است که در عین حال که مفاهیم و اندیشه بلند و با تجربه‌ای دارد، از دو مقوله متضاد و متقابل نیز آمیخته شده است؛ به عبارتی دیگر، گوینده با آوردن دو امر متضاد، یک حقیقت کلی را استنتاج و بازگو می‌کند؛ به عنوان مثال:

- تاری یازانی بنده پؤزایلْمز!

ترجمه: آنچه را خدا بنویسد، بنده نمی‌تواند پاک کند. در این مثل بین خدا (خالق) با بنده (مخلوق) و نیز بین نوشتن و پاک کردن تقابل و تضاد وجود دارد و نیز:

- ظلمن آبادألان، عدیلن ویران أارا!

ترجمه: هر آنچه با ظلم آباد شود با عدل نیز ویران می‌گردد. بین دو مقوله عدل و ظلم و ویران و آباد تضاد وجود دارد.

۲-۴- امثال موزون و شعر گونه ترکی

زیباترین و دلنشین‌ترین امثال زبان ترکی این استان، آن دسته از سخنانی است که به صورت موزون، مترنم و گاهی به صورت شعرگونه بیان شده است. تعداد این گونه سخنان در زبان ترکی کم نیست. ما در اینجا به نمونه‌هایی چند اشاره می‌کنیم:

- دادانوسان دؤلمیا، بلکه بی‌گون ألمیا.

ترجمه: عادت کرده‌ای به [خوردن] دلمه، شاید روزی نباشد! از بد عادت‌های بعضی‌ها سخن می‌گوید که در خلاف آمد روزگار، زود از کوره در می‌روند و ناراحت می‌شوند.

- آچارام صاندوقی، تو کرم پامبوقی!

ترجمه: صندوق را باز می‌کنم و پنبه را بیرون می‌ریزم؛ کنایه از اینکه اسرار و ناگفتنی‌ها را برملا می‌کنم.

- دوه ویردی دیزینه، ایندی گلدی ازینه!

ترجمه: شتر زد به زانوش، اکنون به خود آمد! کنایه از بیداری ناگهانی افراد از غفلت و نادانی است.

- دؤننی دئمه بؤگونی ده، لپه‌نی دئمه دؤگونی ده!

ترجمه: دیروز را تگو، امروز را بگو، لپه را تگو، برنج را بگو! کنایه از اینکه به گذشته و آنچه از دست رفته، نباید غصه خورد، بلکه به آینده و روزهای خوش باید امیدوار شد.

- ازی ازینه ایله‌دی، کؤلی گؤزینه ایله‌دی!

ترجمه: خودش به خودش کرد و خاکستر به چشمش کرد.

۲-۵- مبانی فکری امثال و حکم ترکی

پایه‌های فکری و محتوایی امثال ترکی، معمولاً ذهن نقاد و روح حساس مردم ترک زبان استان اردبیل و نواحی مجاور آن است؛ منتهی بر اثر مجاورت با مناطق فارس‌نشین و یا ارتباطات فرهنگی و اجتماعی با سایر اقوام و ملل، تعداد قابل توجهی از امثال و حکم ملل و فرهنگهای مختلف نیز وارد زبان ترکی شده است. این گونه ضرب‌المثلها به چند دسته زیر تقسیم می‌شود:

۲-۵-۱- عین ترجمه ضرب‌المثلهای فارسی

- جوجه‌نی پاییزین آخ‌ریندا سایالار: جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.

- آخداران تاپار: جوینده یابنده است.

۲-۵-۲- معادل و نظیره‌های فارسی

- بیگ ورن آتین دیشینه باخمازلار!

ترجمه: اسبی را که بیگ ببخشد، دندانش را نباید نگاه کرد [شمرد]. نظیر

فارسی: دندان اسب پیشکش را نمی‌شمارند.

- پالازا بۇرون ایلین سۇرون!

ترجمه: به پلاس ملبس شو و با مردم همدم شو؛ نظیر فارسی: خواهی نشوی

رسوا، هم‌رنگ جماعت شو. هر چند این نوع مثلها نظیره فارسی است، باز با اندکی تغییر و

با برخی صورتهای هنری (موزون بودن) بیان شده‌است.

۲-۵-۳- عبارات یا مضامین قرآنی

- فمن یعمل: کنایه از اجرای کار یا بیان وضعی که چندان مطلوب نیست.

- بسم الله: به معنی بفرماید و به معنی تعجب نیز به کار می‌رود.

- الله اعلم: به معنی نمی‌دانم است.

۲-۵-۴- عبارات عربی

- اؤرگدن اؤرگه یؤل وار: از قلب به قلب راهی است. معادل عربی: القلب

یهدی الی القلب

- قلینج یاراسی ساغیلار، دیل یاراسی ساغیلماز!

ترجمه: زخم شمشیر بهبود می‌یابد، اما زخم زبان بهبود پیدا نمی‌کند.

معادل عربی: جراحات السیف لها الالتمام و لا یلتام ما جرح اللسان.

ترجمه: برای زخم شمشیر التیاهمی است، اما برای زخم زبان التیاهمی نیست.

۲-۵-۵- مضامین دینی (احادیث)

مثلهایی که از سخنان بزرگان دینی، مانند پیامبر(ص) و معصومین(ع) ساخته شده‌است؛

از قبیل

- حق سؤزی آجی اولار: حرف حق تلخ است. ترجمه فرمایش حضرت

علی(ع): الحق مُرّ (سخن حق تلخ است).

- دوست دؤستون آیناسیدی: دوست آینه دوست است. حدیث نبوی:

المومن مرآة المومن.

۲-۶۵- احکام شرعی

- آن دسته از ضرب‌المثلهایی که ناظر بر احکام شرعی و دینی است:
- آجا میت حالدی: گوشت میت برای گرسنه حلال است.
 - آروادا جهاد حرامدی: جهاد برای زن حرام است.

۲-۶۶- بنمایه‌های ساختاری امثال ترکی

عناصر و پدیده‌های گوناگونی اعم از طبیعت، آدمی، حیوانات، گیاهان، جمادات، خوراکیها، فصلها و ماه‌ها و روزها، اجزای بدن، لوازم زندگی، اقوام، ملل و... بنمایه‌های ساختاری امثال و حکم زبان ترکی به شمار می‌آیند. نمونه‌ها و شواهد فراوانی از این عناصر در امثال و حکم ترکی وجود دارد؛ از آن جمله:

۱-۶۶- طبیعت و جانداران

- داغ داغا یتیشمز، آدام آداما یتیشر. ترجمه: کوه به کوه نمی‌رسد، آدمی به آدمی می‌رسد.
- آغاجی از ایچیندن قورت ییر. ترجمه: درخت را از درون خود کرم می‌خورد.
- یای گوئونون یاغیتتسی، قیش گوئونون زوماریدی. ترجمه: آنچه در تابستان به عنوان مزه نان می‌خورند، روزی آدمی در زمستان است. انسان باید قدر کوچکترین نعمت خدادادی را بداند؛ چه بسا که یک لقمه کوچک، غذای کاملی در دوران تنگدستی باشد.
- ایکی الین بیر باشی ساخلیا بیلمی. ترجمه: با دو دستش یک سرش را نمی‌تواند نگه‌دارد. در مورد کسانی به کار می‌رود که از کارهای ساده و روزمره زندگی خود خیلی عاجز و ناتوان هستند.
- پیشمیش آشا سؤقاتما! ترجمه: به آتش پخته آب قاطی نکن؛ نظیر «بافته مرا رشته مکن».
- بؤش چؤوال ایاق اؤسته دؤرماز.

ترجمه: جوال خالی سرپا نمی‌ایستند؛ نظیر طیل تو خالی بودن. در مورد آدم‌های کودن و نادان به کار می‌رود.

- اَشْگین دعاسی قبول اُلْسا، چاروادار یؤلدا قالا.

ترجمه: اگر دعای خر مستجاب شود، کاروان در راه می‌ماند؛ یعنی نفرین یا دعای مغرضانه مستجاب نمی‌شود.

- آلا قارقا سؤدا چیمسه دُ، قاز اولماز.

ترجمه: کلاغ سیاه اگر در آب نیز آب‌تنی بکند، غاز [سفید] نمی‌شود؛ یعنی سرشت و طبیعت بد آدمی دگرگون نمی‌شود؛ نظیر تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است.

- بیر آغاچا چیخیب مین آغاجی لاخلاتما!

ترجمه: بالای یک درخت برو و هزار شاخه را تکان نده! در مورد کسانی به کار می‌رود که برای هر کاری، همه چیز را به هم می‌ریزند و به اصطلاح قاطی می‌کنند.

۲-۶-۲- طبقات و اقشار مختلف اجتماعی

- دلی قیز گلین اُلا، دلی گلین دلی قاری.

ترجمه: دختر دیوانه عروس خوب می‌شود. اما عروس دیوانه پیرزن دیوانه [می‌شود].

- کاسیب چراغین یاندرار، دولتلی نون حسابین گنדר!

ترجمه: آدم فقیر چراغ خانه‌اش را روشن کرده، حساب مال و دارایی ثروتمند را بررسی می‌کند.

- کئچلین تۆکدن آجینی گلر: کچل از مو بدش می‌آید! نظیر مار از پونه

بدش می‌آمد در لانه‌اش سبز شد.

- آرواد ارینه گؤرا باش باغلار، اوینه گؤرا یؤک.

ترجمه: زن به خاطر شوهرش سرش را می‌بندد و به خاطر زندگیش برپشتش بار [می‌بندد].

- یاخچی اولسا خانومان‌دی، پیس اُلْسا کنیزدن!

ترجمه: اگر [کار] خوب شود از خانم و اگر بد شود از کنیز است.

- قینانانون پامبوق یوماقی ایرفهدن (طاقچه‌دان) دؤشسه، گلینین باشین یارار!

ترجمه: اگر کلاف پنبه مادر شوهر از طاقچه بیفتد، سر عروس را می‌شکند!
در اختلاف سنتی و دائمی عروس و مادر شوهر آورده‌اند!

۲-۶-۳- شهرها، کشورها و مناطق خاص

- مغان آریق اشگین یا ییلاقیدی.

ترجمه: مغان ییلاق الاغ لاجر است. منطقه ییلاقی مغان از روزگاران قدیم معروف بوده است.

- اردییلین هاواسی، مزنده سینون اعتباری یؤخدور!

ترجمه: هوا و نرخ [بازار] اردییل اعتباری ندارد. در بی‌اعتباری هوای معمولاً سرد و ناپایدار اردییل گفته‌اند.

- ایراندا داری آخدار، بغداددا خرما!

ترجمه: در ایران ارزن و در بغداد خرما جستجو می‌کند، یعنی به دنبال منافع خودش است.

- سن نه گزیرسن آراندا، قؤیروغون گزیر قازاندا!

ترجمه: تو در آران چه کار می‌کردی که دمبه‌ات در ته دیگ می‌جوشد؟
از قدیم آران (منطقه بالای رود ارس) محل ییلاق و چرای گوسفندان بوده است. در مورد کسی به کار می‌رود که با غفلت و نادانی، خود را دچار مشکلات و سختی‌های جبران‌ناپذیری می‌کند.

- آباد آولاسان خلخال، یئل یاتار، گرمیچ فالخار!

ترجمه: آباد شوی خلخال!، باد سرد می‌خواهد باد گرم برمی‌خیزد / از تو! در بی‌اعتباری و ناپایداری هوای خلخال گفته‌اند و در مورد کسی نیز به کار می‌رود که دمدمی مزاج است و حال و هوای ثابتی ندارد.

- همدان اوزاقدی کردی یوخوندی!

ترجمه: همدان اگر دور است، کرت نزدیک است. این مثل در مورد کسانی که کار می‌رود که مدعی کارهای شگفت و خارق‌العاده‌ای هستند، اما نه در پیش دیگران، بلکه در فلان شهر و ناحیه، لذا برای امتحان کردن شخص و ردّ ادعاهای بی‌اساس او گفته می‌شود.

- تات ایچینه کؤرد گلیب! یعنی: به میان تات کرد آمده؛ کنایه از شلوغی زیاد است.

۶-۲-۴- مثل‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای

دسته‌ای از امثال و حکم ترکی از افسانه‌ها و اسطوره‌های تاریخ باستان و نیز از باورها و اعتقادات عامیانه ساخته شده‌است؛ مانند:

- ظلمات داشیدور، گو‌تورنده پشیمان دور، قویاندا!

ترجمه: سنگ ظلمات است، هر که آن را برداشته یا بر نهاده پشیمان شده است. در مورد کاری به کار می‌رود که انجام دادن یا ندادن آن مایه پشیمانی است.

- پیشیگیمیز دوغوب، نه‌نه‌می آل آپاروب!

ترجمه: گربه‌مان زاییده و مادرم را آل برده! یعنی به اصطلاح گاومان زاییده است. در باورهای عامیانه، آل موجودی است که نوزاد زن زائو را با خود می‌برد و آن را می‌خورد.

- حامامدا دلی أار: در حمام دیوانه وجود دارد. به اعتقاد قدما جن در جاهای

خلوت، مانند حمام زندگی می‌کند. لذا کسی که تنها حمام برود، جن او را می‌گیرد و دیوانه می‌کند.

- باشووی کچل ایله‌مه، هر کچلین شانسی بیر‌آلماز!

ترجمه: سرت را کچل مکن، هر کچل (بی‌موی) خوش‌شانس نمی‌شود! در اعتقاد عامیانه، کچل آدم خوش‌شانس به شمار می‌آید.

- قیزی دوغ، بشیکده بوغ!

- ترجمه دختر را زایدی در گهواره خفه کن. این مثل از فرهنگ جاهلی عرب متأثر است که طی آن تولد دختر را مایه ننگ می دانستند. در زندگی ایلاتی و عشایری آذربایجان، هنوز هم پسر، نقش تعیین کننده ای در زندگی آنان دارد.

- آستانا (بوساقا) عوض الار، شانس عوض اولماز! ترجمه: آستانه (مسکن) عوض می شود، اما شانس آدمی عوض نمی شود.

۲-۷- امثال روانشناختی و تربیتی

در میان امثال و حکم زیبای ترکی، سخنان حکیمانه و امثال دلنشینی می یابیم که در خصوص تربیت، تعلیم و بیان ویژگیهای روحی و روانشناختی افراد سخن می گوید. مطالعه و بررسی آنها ما را با چگونگی خلیات و شخصیت انسانی و اجتماعی گویندگان آنها آشنا می کند. در اینجا به چند نمونه اشاره می شود:

- دردلی دانیشقان الار، عملی یاتاغان!

ترجمه: آدم دردمند پر حرف می شود و آدم غمگین پر خواب! این مثل بیانگر بیماری آدمی است که از طریق پرحرفی یا خواب ابراز می شود.

- اوشاق گور دوگون گوتیرر.

ترجمه: بچه آنچه را دیده یاد می گیرد (تقلید می کند)، به عبارت دیگر به موضوع تفکر انضمامی در کودک اشاره دارد.

- قوچ ایگید دایی سینا چکر، خانیم قیز خالاسینا!

ترجمه: پسر قهرمان به دایی اش می برد و دختر خانم نیز به خاله اش. در اهمیت وراثت و فامیلی سخن می گوید.

- چوخ گزن چوخ بیلر: زیاد سفر کرده زیاد می فهمد.

- گوزدن آلان، گو یولدن الار.

ترجمه: هر چه از چشم افتاد از دل بیفتاد؛ نظیر: از دل برود، هر چه آنچه از دیده برفت؛ یعنی محبت در نگاه آدمی نهفته است.

- آتی آتین یانیندا باغلاسون، هم رنگ الماسا هم خو الار!

ترجمه: اسب را در کنار اسب دیگری نگهداری کنی، اگر هم‌رنگ نشوند، هم‌خومی شوند. در تأثیر هم‌نشینی در تربیت افراد به کار می‌رود.

۸-۲- ساختار معنایی ضرب‌المثلهای ترکی

ماهیت فکری و محتوایی ضرب‌المثلهای ترکی اغلب بر مبانی اخلاقی، تربیتی و انسانی دوستی استوار است. این مبانی از انواع تجربه‌ها و اندیشه‌های بلند انسانی مردم آذربایجان و آرزوهای طول و دراز آنان بر می‌خیزد که در طی مراحل مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود و در رویارویی با انواع ابتلائات و آزمایشهای سخت روزگار و در جهت رسیدن به دنیایی مطلوب و آرمانی به آنها دست یافته‌اند.

بر این اساس مهمترین موضوعات انسانی و اجتماعی مثلها را می‌توان در زمینه‌های مختلف اخلاقی مانند قناعت، صداقت و راستی، مهربانی، عدالت، آزادگی، مذمت دروغ، ستم، رندی و فریبکاری، نکوهش دنیاگرایی، توجه به خدا، قیامت و مبانی دینی و در فضیلت علم و علما و نکوهش جاهلان و ده‌ها موضوع مختلف انسانی دانست که همیشه مورد نیاز و توجه زندگی آدمی بوده است. در اینجا به طور مختصر به دسته‌های مهم ساختار معنایی امثال و حکم ترکی (با ذکر مثال) اشاره می‌شود:

۸-۲-۱- در اهمیت جوانمردی، انسانیت و خوش خلقی

- ایگیت آمک ایتیرمز؛ نظیر مرد پاس نان و نمک را فراموش نمی‌کند.

- آداملیقی آدامنان ایسته، خوش اییی قیزیل گولدن.

ترجمه: آدمیت را از آدمی و بوی خوش را از گل سرخ بجوی.

- آلدی وار، دؤندی یوخ!

ترجمه: مرگ هست و برگشت از سخن (عقیده) نیست؛ در پایداری و

استقامت جوانمردان به کار می‌رود.

- چؤرگ ورمک کیشی نون ایشی دی. ترجمه: نان دهی کار جوانمردان

است.

- شیرین دیل ایلانی یوآسیندان چیخاردار. ترجمه: زبان شیرین مار را از لانه اش بیرون می کشاند.

۲-۸-۲- در مذمت آدمهای ریاکار و بی خاصیت و فرصت طلب

- تازیای دیور توت، دوشانا دیور قاچ.

ترجمه: به سگ تازی می گویند: بگیر و به خرگوش نیز می گویند: بدو. درباره آدمهای ریاکار و منافق صفت به کار می رود.

- گوردان گلن من، خبر وئرن سن؟!

ترجمه: آن که از گورستان می آید، من هستم و آن که از گورستان خبر می دهد، تو؟! در نفی ادعاهای بی اساس برخی گفته می شود.

- الماتقی الماتیندان یاخشی دور؛ معادل عدمش به ز وجود.

- آتاسینا خیری الماتون کیمه خیری اُلا؟ ترجمه: کسی که به پدرش خیری نرساند به دیگری چه خیر و منفعتی می رساند؟

- گنچی جان هاییندا، قصاب پی آخدارور!

ترجمه: برغاله به فکر جانش است و قصاب به دنبال پیه آن می گردد؛ در فرصت طلبی افراد گفته می شود.

- هاردا آشدی، اردا باشدی.

ترجمه: هر کجا آشی هست، آنجا حضور دارد؛ این مثل، چهره آدمهای سودجو و فرصت طلب را به تصویر می کشاند.

۳-۸-۲- در اهمیت تلاش، کوشش و پایداری

- آرینین تهرین چکمین، جوت سوروب کوتان اکمین، شیرین چورک بیهیلمز.

ترجمه: کسی که آزار زنبور عسل و سختیهای شخم زدن را تحمل نکند، نان شیرین نمی تواند بخورد.

- قارانلیقا داش آتور، ایشیقلیقا چیخسون! کنایه از تحمل سختی و رسیدن به

آسایش و روشنی است.

- ایشله‌مین، دیشله‌مُز؛ کسی که کار نکند [لقمه را] گاز نمی‌گیرد؛ معادل مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

- یامان گونون عمری آز اُلاز! ترجمه: عمر روزگار سختی کوتاه است.

۲-۸-۴- در بد عاقبتی نامردمی و بی‌وفایی

- هیئچ نامردین چیراغی آخراجان یانماز.

ترجمه: چراغ هیچ نامردی تا آخر نمی‌سوزد؛ یعنی دوران برتری نامردان، روزگار کوتاه و موقتی است.

- یاخشلیقا یامانلیق اُماز! در مقابل خوبی نباید بدی کرد.

- نامرد بئره بیتیرمُز؛ نامرد به ثمر نمی‌رسد.

۲-۸-۵- در منزلت قناعت و مخالفت با طمع‌ورزی

- آرتیق طاماه باش یارار: آدم طماع سر می‌شکند [به دلیل طمع خود]

- چؤخ ینمگ آدامی آز ینمگ دن قؤیار. ترجمه: زیاده‌خواری آدم را

از کم خوردن نیز باز می‌دارد.

- یالانچی طاماهکاری آلاآدی!

ترجمه: دروغگو طمعکار را فریفت؛ یعنی آدم طمعکار به دلیل حرص مادی بیشتر، فریب دروغگویان را زودتر می‌خورد.

- آز ینه، ناز ینه: کم بخور ولی همیشه بخور.

۲-۸-۶- در اهمیت عدالت و ناپایداری ظلم

- حق باتماز: حق نابود نمی‌شود.

- ظلمن آباد آن، عدلن ویران اُلاز. ترجمه: آنچه با ظلم آباد شود با

عدل نیز ویران می‌گردد.

- ظلمین بناسی یؤخدور: خانه‌ظلم پایه و اساسی ندارد.

- حق دانیشانون بؤر کینون تپه‌سی یئر تیق اُلاز.

ترجمه: کلاه کسی که حرف حق می‌زند، پاره است؛ یعنی حرفگو همیشه مورد انواع آزار و اتهام قرار می‌گیرد.

- کورنان چورک یئه، تارینی آرادا گور.

ترجمه: با آدم کور نان بخور، اما خدا را هم در میان ببین؛ یعنی انصاف را حتی با آدمهای ضعیف و درمانده نیز باید مراعات کرد.

- ایله ایله کی نه شیش یانسون نه کباب: کاری کن که نه سیخ بسوزد نه کباب.

- حق یاندران چیراغی سوندیرمگ الماز: چراغی را که حق برافروزد، کسی نمی‌تواند آن را خاموش کند.

۲-۸-۷- در منزلت اجتماع و اتحاد

- ائلین گوچی، سیلین گوچی: قدرت ایل مانند قدرت سیل (قوی) است.

- بیرلیک هاردا، دیری لیک آردا: هر کجا اتحاد و یگانگی هست، حیات و

سرزندگی هم همانجاست.

- ائل گوژی تری دی: چشم خلق ترازوست (میزان شناخت است).

- ائل آتانی حق آتار: کسی را که ایل (جامعه) طرد کند، خدا نیز او را طرد

می‌کند.

۲-۸-۸- در منزلت پدر و مادر

- آتا ایگیدین قالدینی: پدر سپر جوانمرد است.

- آتا آنا انسانون کیچیک تارسی دؤر: پدر و مادر خدایان کوچک آدمی

هستند.

- آتاین دعاسی، آنانین ناله‌سی: دعای پدر و ناله مادر (موثر است).

- آنالی قیزین ازوبوئیر، آناسیز قیزین سوزی!

ترجمه: دختری که دارای مادر است، هیکلش بزرگ می‌شود، اما دختر

بی مادر حرفش (عبجویبهای مردمی)!

۲-۸-۹- در تربیت فرزند

- اوشاق عزیزدی، تربیتی آنان‌دا عزیزدی: بچه عزیز است، اما تربیتش از او عزیزتر.

- اوشاق یخیلا یخیلار بویویر: بچه با افتادن و خیزان بزرگ می‌شود.

- اوشاقی چایا، قونشونی پایا، داداندیرما: بچه را به چایی و همسایه را به بخشش عادت مده!

- قیزین دوئمین، دیزین دوگر: کسی که دخترش را نزند (تنبیه نکند)، بعداً به زانویش می‌زند (از پشیمانی).

۰۳-۸-۱۰- در حکمتهای گوناگون

- عقل عقیلدن ئوتگون ألار.

ترجمه: عقل از عقل (دیگری) معمولاً داناتر است؛ یعنی باید از تجربه عقلی دیگران نیز استفاده کرد.

- گورونن کنده بلدچی لازم دگور.

ترجمه: به روستایی که قابل دید است، راهنما لازم نیست؛ نظیر آن را که عیان است، چه حاجت به بیان است.

- یوخا قلم ایشلهمز: به ندار و بی چیز قلم (قانون) کار نمی‌کند.

- باغلی قاپو (یا سفره) نون بیرعیبی وار. آچیق قاپو (یا سفره) نون مین عیبی!
ترجمه: دری (سفره‌ای) که بسته باشد، یک عیب و اگر باز باشد، هزار عیب دارد.

- آغاجی از ایچیندن قورت ییر: کرم درخت از داخل درخت است.

- یالقوز قوش یووا باغلاماز: پرنده تنها لانه نمی‌بندد؛ یعنی آدم مجرد صاحب زندگی نمی‌شود.

- گون گورمه‌میش گون گورنده چیراغ یاندرار!

ترجمه: کسی که آفتاب ندیده، وقتی ببیند چراغ روشن می‌کند؛ درباره آدمهای ندیده بدید به کار می‌رود.

- ینکه باشین ینکه بلاسی ألار: سر(اندیشه) بزرگ بالای بزرگی نیز به همراه دارد.

- از گه آتینامینن تئز دؤشر: کسی که بر اسب دیگری (عاریتی) سوار شود، زود پیاده می‌ماند.

- ایت کؤت دن، آدام محبت دُن دؤیماز: سگ از کنجل (کوت) و آدمی از محبت سیر نمی‌شود.

- دؤز ایرینی کسُر: راست کج را می‌برد؛ یعنی حق و راستی همیشه بر باطل و گمراهی پیروز است.

نتیجه

با مطالعه و بررسی هزاران امثال و حکم ترکی می‌توان دریافت که مردم متمدن و تاریخی آذربایجان از جمله استان اردبیل، بسیاری از تجربه‌ها و دانشهای اجتماعی و فرهنگی خود را به صورت سخنان حکیمانه و پندآموز و در قالب مثل‌های زیبا و دلنشین بیان کرده‌اند. امثال و حکم ترکی، آینه‌نیازها، احساسات و آرزوهای طولانی و دراز مردم آذربایجان است که در فراز و نشیبهای زندگی در تحقق آنها کوشیداند.

اغلب گروه‌های اجتماعی در پیدایش مثلها سهم بوده‌اند؛ اعم از علما، اندیشمندان، شاعران، صاحبان ذوق و طبقات عامه اجتماعی. اما سهم طبقات عامه در این میان بیش از سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی است؛ از جمله چوپان، کشاورز، فقیر، کور، دامدار و... از آنجاکه توده عامه مردم همیشه مورد ستم حاکمان قرار داشته و از حداقل حقوق اجتماعی خود نیز محروم بوده‌اند، بیشترین دردها، نیازها و احساسات مردمی و سخنان عدالت خواهانه از سوی آنان در نقش جبران (به عنوان توانمندیهای دفاع روانی) بیان شده است. البته نقش علما و اندیشمندان علمی و دینی را در این زمینه نیز نباید فراموش کرد.

باید توجه داشت که در ساختار معنایی ضرب‌المثلها، بسامد شخصیت‌های انسانی از عناصر طبیعی و حیوانی بیشتر است و بسامد واژگانی مقولات انتزاعی مانند نیکی، ظلم، جوانمردی، عدالت و... کمتر از آنها؛ هرچند محتوای هر کدام از آنها را نیز موضوعات مختلف و مشترک پندآموز و حکیمانه تشکیل داده است.

فرهنگ دینی و قرآنی نیز بخش دیگری از بنمایه‌های فکری مثلها را تشکیل می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که این دسته از سخنان حکیمانه را اغلب علما، اندیشمندان و اقشار آگاه جامعه به وجود آورده‌اند.

باورها و اعتقادات عامیانه مانند آل، جن، جادو، طلسم، ظلمات و... نیز بخش دیگری از بنمایه‌های فکری مثلها را تشکیل می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که این دسته از ضرب‌المثلها آفریده ذهن طبقات عامه، بیسواد و پایین جامعه بوده است.

موضوعات مختلف اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و مقولاتی مانند عدل، ظلم، نیکی، جوانمردی، آزادگی، بخشش، خدمت به دیگران، دستگیری از ضعفا، مبارزه با ظلم و ستمگری، پایداری در برابر سختیها و... از جمله موضوعاتی است که در تحلیل محتوایی مثلها به چشم می‌خورد.

ضرب‌المثلها اغلب از جلوه‌های زیبایی‌شناختی هنری و ادبی نیز برخوردار است. موزون بودن سخن، فصاحت و بلاغت زیبا و شگردهای هنری مانند تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، زیبایی خاصی به امثال و حکم ترکی بخشیده است. اما در میان این دسته از جلوه‌های هنری، کاربرد کنایه به علت تأثیر بلاغی آن و ملاحظه تقیه و برخی ملاحظات سیاسی و امنیتی، بیش از سایر صورتهای ادبی یادشده رواج دارد. در روزگاری که سخن شفاف و مستقیم و انتقادات صریح و تند از حاکمان روزگار و اوضاع تلخ اجتماعی مقدور نبود، پناه بردن به ضرب‌المثل‌های کنایی بهترین شیوه اصلاحگری جامعه به شمار می‌آمده است.

ساختار زمانی مثلها نیز، که در صیغه‌های زمانی گذشته، حال و آینده کاربرد دارد، بی‌ارتباط با موضوعات مثلها نیست. گاهی در افعال ماضی، اهمیت موضوع یا چیزهای از دست رفته مورد توجه است و در زمان حال نیز مسائل و موضوعات مبتلا به زندگی و در افعال آینده نیز گاهی تحسّر و آرزوهای قلبی مردم انعکاس یافته است.

منابع و مأخذ

- ۱- آل احمد، جلال. (۱۳۷۵). **نامه‌ها**. چاپ اول. تهران: بی تا.
- ۲- امینی، امیرقلی. (۱۳۷۱). **فرهنگ عوام**. تهران: انتشارات علمی.
- ۳- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۷۷)، **تاریخ تبار و زبان مردم آذربایجان**. تهران: انتشارات فکر روز.
- ۴- باباصفری، علی (۱۳۷۱)، **اردبیل در گذرگاه تاریخ**، ج ۱ و ۲، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.
- ۵- بارتولد. (۱۳۷۶). **تاریخ ترکهای آسیای میانه**. ترجمه غفارحسینی. تهران: انتشارات توس.
- ۶- پرتوی آملی، مهدی. (۱۳۷۴). **ریشه‌های تاریخی امثال و حکم**. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات سنایی.
- ۷- رازی، محمدبن ابی بکر عبدالقادر. (۱۳۷۱). **امثال و حکم عربی**. ترجمه فیروز حریرچی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- روشن. ح (۱۳۵۸). **ادبیات شفاهی مردم آذربایجان**. تهران: انتشارات دنیا.
- ۹- ریر، هربرت. (۱۳۷۲). **هنر و اجتماع**. ترجمه سروش حبیبی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- رئیس نیا، رحیم. (۱۳۶۸). **آذربایجان در مسیر تاریخ ایران**. تبریز: نشر نیما.
- ۱۱- زمانی نیا، مصطفی. (۱۳۶۳). **فرهنگ جلال آل احمد**. تهران: انتشارات پاسارگاد.
- ۱۲- ظفرخواه، ع. (۱۳۷۰). **آقا بابالار دئیبلر**. تهران: انتشارات یاران.
- ۱۳- فرزانه، م. (۱۳۴۴). **مبانی دستور زبان آذربایجان**، تهران: انتشارات تهران.
- ۱۴- فضل‌اللهی، حسین. (۱۳۶۶). **ضرب‌المثلهای آذربایجانی**. تهران: انتشارات تلاش.
- ۱۵- قدس، یعقوب. (۱۳۵۹). **آتالار سؤزو**. تهران: انتشارات نوید.

- ۱۶- کاتب، حسینقلی. (۱۳۶۹). **زبانهای باستانی آذربایجان**. تهران: انتشارات پاژنگ.
- ۱۷- مجتهدی، م. (۱۳۶۷). **امثال و حکم آذربایجانی**. تبریز: انتشارات مهدی.
- ۱۸- محمدی برنجه، علی. (۱۳۷۹). **فرهنگ ضرب‌المثل‌های افشار در آذربایجان**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹- مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۵). **نظری به تاریخ آذربایجان**. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی.
- ۲۰- منصوری، فیروز. (۱۳۷۹). **مطالعاتی درباره تاریخ زبان و فرهنگ آذربایجان**. تهران: مؤسسه اطلاعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲۱- نوین، حسین. (۱۳۷۹). طرح پژوهشی «**زبان آذری و مشترکات تاریخی آن با زبان فارسی**». اردبیل. دانشگاه محقق اردبیلی.
- ۲۲- هیئت، جواد. (۱۳۶۷). **آذربایجان شفاهی خلق ادبیاتی**. تهران: انتشارات پاژنگ.
- ۲۳- _____. (۱۳۵۱). **آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش**. ج ۱. تهران: انتشارات بینا.
- ۲۴- _____. (۱۳۸۰). **سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی**. تهران: نشر پیکان.